

## عنوان مقاله: نگاهی نو به تحریف ناپذیری قرآن

نویسندگان: محمد حسن آهنگر<sup>1</sup>، دکترمهرداد گلی<sup>2</sup>

**1** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان- ایران

آدرس الکترونیکی: [m.ahangar1353@gmail.com](mailto:m.ahangar1353@gmail.com)

**2** استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان- ایران

آدرس الکترونیکی: [dr.goli92@gmail.com](mailto:dr.goli92@gmail.com)

### چکیده

یکی از مسایل بسیار مهم و اساسی قرآن پژوهی، بحث تحریف ناپذیری قرآن است. که، تقریباً میان تمام فرق مسلمان به جز حشویه و... اتفاق نظر است که قرآن موجود همان است که در طی مدت بیست و سه سال و به تدریج بر قلب پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید و آن حضرت به کاتبان وحی دستور داد تا آیات و سوره نازل شده را بنویسند و بسیاری از صحابه که به طور قطع از صدها نفر هم تجاوز می کرد. همه یا بخش اعظم قرآن را از حفظ داشتند روش درمقاله حاضر توصیفی کتابخانه ای میباشد. رهاورد این پژوهش آن است که در قرآن هیچ گونه تحریفی رخ نداده است و از قرآن یک آیه کم نشده و یک آیه به آن اضافه نگردیده است.

کلید واژه: تحریف ناپذیری، تحریف، قرآن

## مقدمه

مبحث تحریف‌ناپذیری قرآن از جهات مختلفی مهم و تعیین‌کننده است و پس از مسئله اعجاز یکی از مباحث زیربنایی در قرآن‌شناسی محسوب می‌شود؛ زیرا اگر مصونیت قرآن از تحریف (کاستی، افزایش، تغییر و تبدیل مؤثر در معنای آیات) به اثبات نرسد، هرگونه استناد به همه یا بخشی از آیات قرآن مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا احتمال آنکه آیات مورد استناد، تحریف شده و آنچه مقصود خداوند بوده تغییر یافته باشد، منتفی نیست و با چنین احتمالی، استدلال به آنها نتیجه بخش نخواهد بود. آنچه مسلم است ارتباط مستحکمی بین «اعجاز قرآن» و «عدم تحریف» قرآن وجود دارد و یکی از دلایل عدم تحریف قرآن، اعجاز قرآن است.

با نزول قرآن، آخرین دین الهی؛ دیگر ارسال رسل و انزال کتب آسمانی متوقف شد؛ بنابراین جای این پرسش باقی می‌ماند که آیا قرآن هم همچون دیگر کتاب‌های آسمانی، دستخوش تحریف واقع شده است؟

اساساً تحریف کتاب آسمانی، بدین معناست که این تغییرات به گونه‌ای انجام پذیرد که دیگر کلام الهی، به درستی شناخته نشود و از دسترس بشر خارج گردد و یا چیزی به عنوان کلام خدا شناخته شود که سخن او نیست. مصونیت قرآن از تحریف، به معنای ماندگاری متن اصلی قرآن و آشنایی با آن در میان مردم است؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه مسلمانان و دیگر جوامع بشری از شناخت و دسترسی به متن اصلی آن محروم نشده و کلام خدا را از غیر آن با وضوح و آشنایی کامل تمیز خواهند داد.

## مفهوم شناسی تحریف

جوهری در تبیین معنای لغوی «حرف» چنین گفته است: «حرف کل شیء طرفه و شفیره و حده و منه حرف الجبل و هو أعلاه المحلّد...؛ حرف هر چیز، کناره، لبه و مرز آن است و از این ریشه است حدّ الجبل که به معنای لبه تیز آن است...» (جوهری، 1410ق، ج 4، ص 1342؛ راغب اصفهانی، 1374ش، ج 1، ص 228)

ابن منظور نیز می‌نویسد که «حرف کشتی و کوه، گوشه آنهاست... و حرف شیء، ناحیه و کناره آن است. (ابن منظور، 1414ق، ج 9، ص 41)

مفهوم تحریف؛ تحریف، از ریشه «حرف» به معنای گوشه، کنار و طرف است. تحریف در لغت به معنای مایل کردن، کج کردن و تغییر دادن آمده است. تحریف کلام، بد معنا کردن، سوء تعبیر و سوء تفسیر است و تحریف کلمه، جابجا کردن کلمه می‌باشد. (طباطبایی، 1385ش، ص 143)

بنابراین در کتاب های لغت تحریف هم به معنای جابجا کردن لفظ و هم به معنای تصرف در معناست.

## تحریف در قرآن

در قرآن تحریف اصطلاحی به هر دو وجهش مطرح است ، لفظی و معنوی.

از تحریف معنوی در قرآن به تفسیر به رأی یا تفسیر غیر حقیقی تعبیر شده است؛ «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...» (نساء/ 46) طبق بیان آیه، یهود پس از آن که مراد از کلام را دانستند آن را از معنای صریح منحرف می کردند، مثلاً می گفتند: مراد از این جمله: خاتم پیامبران نیست؛ بلکه جبرئیل است..... و یا کلمه ها را جابجا می کردند. (قرشی، 1352ش، ج3، ص 121)

واژ تحریف لفظی در قرآن ، جابجا کردن کلمات ، حذف یا اضافه کردن به کلمات قرآن تعبیر شده است. مرحوم طبرسی ذیل آیه « يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ... » می نویسد: «فمعناه من اليهود فریق یحرفون الکلم عن مواضعه ای ببدلون کلمات الله و احکامه عن مواضعها و قال مجاهد یعنی بالكلم التوراه و ذلك أنهم كتموا ما فی التوراه من صفه النبی (صلی الله علیه وآله وسلم)....» (طبرسی، 1372ش، ج3، ص 85)

از این که یهود در تورات نام پیامبر اسلام را تحریف کردند، تغییر در معنا و از این که کلمات خدا را جابجا می کردند، تغییر در لفظ استفاده می شود. عده ای معتقدند در قرآن تنها به تحریف معنوی اشاره شده است. (معرفت، 1386ش، ص 16) اما از این آیه و آیات دیگر می توان استفاده کرد که یهود علاوه بر تحریف معنوی تورات، آن را تحریف لفظی هم کرده اند.

## اقسام تحریف لفظی در قرآن

تحریف لفظی صورت های مختلفی دارد اما مواردی که به اصل قرآن لطمه وارد می کند به شرح ذیل است:

1. کاستن یا افزودن در حروف و حرکات قرآن: مثل این که «حم عسق» را «حم سق» بخوانیم.
2. کاستن یا افزودن در کلمات قرآن: مثل این که «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» را «وَالذَّكَرَ وَالْأُنثَى» بخوانیم.

3. کاستن یا افزودن در آیات و سور قرآن: مثل این که بگوییم فلان جمله از آیات قرآن بوده و حذف شده و یا این که فلان آیه جزء قرآن نمی باشد. یا بگوییم بعضی از سوره ها یا قسمت های قرآنی که در دسترس ما است حقیقتاً جزء قرآن نبوده و یا بگوییم قرآنی که در دسترس ما است تمام قرآنی که بر پیامبر نازل شده، نیست. (معرفت، 1386، ش 1، ص 11)

## بررسی اقسام تحریف

1- **تحریف معنوی**: شکی نیست در این که تحریف به این معنا در قرآن محقق شده؛ زیرا طبیعی است هر کس قرآن را تفسیر به رأی کند، آن را تحریف معنوی کرده است. که روایات شدیداً از این نوع تحریف منع کرده اند. (ابن ابی جمهور، 1405، ق، ج 4، ص 104)

2- **تحریف لفظی**: به معنای نقص یا زیادتی در حروف یا حرکات قرآن با حفظ محتوای اصلی قرآن: این نوع تحریف هم که به موضوع اختلاف قرائت در قرآن مرتبط است، در قرآن واقع شده است. (خویی، 1378، ش 1، ص 264)

ما معتقدیم قرآنی که بر پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) نازل شده تنها به یک قرائت خاص و آن قرائت حفص از عاصم بوده و تنها این قرائت را معتبر می دانیم؛ زیرا چنین قرائتی با روایت صحیح موافق است و عاصم از استاد خود ابو عبدالرحمن سلمی و او نیز از حضرت علی علیه السلام گرفته است و آن حضرت نیز به قرائتی تمسک می کرده که بین مسلمانان رواج داشته و با نص اصلی وحی موافق بوده تمسک می کردند. (معرفت، 1391، ش 2، ص 232)

3- **تحریف لفظی**: به معنای کاستن یا افزودن آیه یا سوره ای که البته موجب تغییری در قرآن نشود، مانند اختلافی که در مورد جزئیت «بسم الله الرحمن الرحیم» مطرح است. عده ای بسم الله را در غیر سوره فاتحه جزء قرآن نمی دانند؛ اما ما معتقدیم «بسم الله» در سرتاسر قرآن آیه ای مستقل و جزء تمام سوره های قرآن است. (خویی، 1378، ش 1، ص 266)

4- **تحریف لفظی**: به معنای افزودن به قرآن به صورتی که گفته شود: مقداری از قرآن در دسترس، حقیقتاً همان قرآنی که بر پیامبر نازل گشته؛ نمی باشد: هیچیک از مسلمانان به چنین نوعی از تحریف قایل نشده اند. (آلوسی، 1405، ق، ج 7، ص 16؛ خویی، 1378، ش 1، ص 267)

5- **تحریف لفظی:** به معنای کاستن از قرآن به گونه ای که گفته شود قرآن در دسترس، همه آنچه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گشته، نمی باشد؛ بلکه بخشی از آیات یا سوره های آن حذف شده است. خوبی، 1378، ص 267) مراد از تحریفی که مقالات و کتاب های فراوان بر رد آن نگارش شده همین نوع است و ما نیز در این مقاله بر آنیم تا بر بطلان این پندار دلایلی را ارائه کنیم.

### پیشینه‌ی تاریخی بحث تحریف ناپذیری قرآن

پیشینه‌ی بحث تحریف ناپذیری قرآن را باید هم زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جست‌وجو کرد. به زودی در ادامه‌ی سلامت قرآن از تحریف خواهید دید که نقطه‌ی آغاز و سنگ بنای خلل ناپذیری الفاظ قرآن را، خود قرآن پی نهاده است. پس از قرآن، کهن‌ترین سند تاریخی که هم‌اکنون در دسترس ماست و با بیان اوصاف و ویژگی‌های قرآن بر سلامت این کتاب گواهی می‌دهد، فرازهایی از دعا‌های زبور آل محمد، صحیفه‌ی سجادیه است. (مانند دعای 42) و همچنین خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) که بخش قابل توجهی از آن به بیان ویژگی‌های قرآن پرداخته و سپس خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه که قرآن را به گونه‌ای معرفی کرده‌اند که امکان دست‌برد در ساختار آن را متفی می‌سازد تحریف ناپذیری قرآن مورد اقبال جدی دانشمندان شیعی تا دوره‌ی اخیر است. تنها در عصر صفوی (906 - 1134 ه.ق) که تا حدودی فرصت برای جمع‌آوری اخبار فراهم شد روایات تحریف نما نیز در لابه‌لای منابع حدیثی، تفسیر بالمأثور تفاسیر روایی و شرح اخبار قرار گرفتند و تنی از چند امامیه، مانند سید نعمت الله جزائری (م/1112.ق) و ابوالحسن فتونی به استناد به این اخبار به تحریف قرآن گرایش یافتند. لیکن اکثر قریب به اتفاق امامیه هم چنان به علاج احادیث در این زمینه پرداختند و به تحریف ناپذیری قرآن گواهی دادند که به زودی با اسامی بسیاری از آنان آشنا خواهید شد، تنها کتاب فصل الخطاب محدث نوری (م/1320 ه.ق) چالشی دیگر در این بستر تاریخی به شمار می‌آید. پس از تألیف کتاب فصل الخطاب، دانشمندان امامیه به این مسأله توجه افزون تری نشان دادند و ده‌ها کتاب مستقل در زمینه‌ی سلامت قرآن از تحریف به رشته‌ی تحریر در آوردند. در نزد دانشمندان نیز بحث تحریف ناپذیری قرآن، پیشینه‌ای بس دیرینه دارد آنان که کتاب‌هایی در فضایل قرآن نگاشته‌اند، مفسران در مقدمه‌ی تفسیر یا در طی شرح آیاتی که مربوط به موضوع سلامت قرآن است، اصولیون در بحث ناسخ و منسوخ و حجیت ظواهر آیات، فقها در بحث جواز قرائت سبعه در نمازها و گزینش یک سوره بعد از حمد و نیز در پاره‌ای از کتاب‌های معارف دینی به این مسأله پرداخته‌اند. (نجار زادگان، 1384 ش، ص 72)

قرآن که معتبرترین منبع معارف اسلام و معجزه جاودان رسول گرامی است تنها کتاب آسمانی که از تحریف مصون مانده و بشر از آوردن حتی سوره ای کوچک همانند آن عاجز است. مسأله مصونیت قرآن از تحریف از جهات مختلف دارای اهمیت فوق العاده ای است و اگر مصونیت قرآن از تحریف به اثبات نرسد هرگونه استدلال به آیات قرآن مورد تردید قرار می گیرد. به خاطر همین این مسأله همواره مدنظر دانشمندان فریقین بوده و برای دفاع از ساحت مقدس قرآن، به اثبات سلامت قرآن از تحریف و دفع شبهات و تردید ها در این زمینه پرداخته اند و کتابهایی در این زمینه نوشته اند از جمله کتاب البیان فی تفسیر القرآن آقای خوئی، مصونیت قرآن از تحریف استاد محمد هادی معرفت و همچنین افسانه تحریف قرآن آقای رسول جعفریان که همگی در رد قول به تحریف قرآن نوشته شده است.

## ضرورت اثبات نزاهت قرآن از تحریف

اثبات پیراستگی قرآن از تحریف از جهات فراوانی ضروری است که ما در اینجا به چند جهت آن اشاره می کنیم:

### 1/ دفاع از اعتبار قرآن

اعتبار رسالت هر پیامبری به معجزه ای او بستگی دارد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) معجزه ای رسالت خود و حقانیت قرآن را قرآن بر شمرده است. از این رو اعتبار اسلام به حقانیت قرآن گره خورده است و همان گونه که ارائه سوره ای همسان با سوره های قرآن، همآورد طلبی و در نتیجه اعجاز قرآن را در هم شکند. ادعا یا احتمال راهیافت تحریف، حتی به کاستی، اعتبار و حجیت قرآن را زیر سؤال می برد، بدین جهت، بعضی اخباریون بر اثر احتمال شبهه ای تحریف، ظاهر قرآن را فاقد حجیت دانسته اند و امکان استفاده از آن را منتفی.

### 2/ پاسخ شبهات مغرضان

با پافشاری بر تحریف قرآن دو دسته از مغرضان و بدخواهان بهره می برند، دسته ای نخست، مخالفان و معاندان اسلام اند. و دسته دوم مخالفان شیعه اند که با متهم ساختن شیعه به پذیرش تحریف قرآن در صدد جدا کردن آنان از پیکره ای اسلام و مسلمانان اند، از این رو اثبات عدم تحریف قرآن، افزون بر آنکه ریشه ای معاندان اسلام

را می خشکاند، پاسخی در خور به تهمتهای ناروا به شیعه خواهد بود، چنان که لازم است از محققان اهل سنت نیز حمایت شود و دامن آنان را نیز از لوٹ تحریف پاک دانست.

### 3/ اثبات حجیت ظواهر قرآن و امکان استفاده از مدالیل آیات

از ظاهر عبارتهای گروهی از اخبار بین استفاده می شود که آنان دلالتهای بر گرفته از ظواهر قرآن را حجیت نمی دانند و با انحصار فهم و تفسیر آیات به امامان معصوم (علیهم السلام) معتقدند تنها آن دسته از دلایل آیات حجیت است که از طریق ائمه (علیهم السلام) و در قالب روایات صحیح به دست ما رسیده باشد. با چنین نگرشی عملاً هیچ مفسر یا فقیهی حق مراجعه‌ی مستقیم با آیات قرآن نخواهد داشت و تنها از منظر روایات صحیح تفسیری می تواند به دلالت آیات استناد کند.

از نمونه دلایلی که این دسته اخباریین برای اثبات مدعای خود به آنها استناد کرده اند، احتمال وقوع تحریف در قرآن است، زیرا با احتمال کاستی بخشی از آیات، حجیت ظواهر آیات زیر سؤال می رود، چه ممکن است بخشی از قرائن خلاف ظواهر آنچه موجود است، در آیات حذف شده منعکس شده باشد. از این رو فقیه یا مفسر حق ندارد به دلالتهای ظاهر آیات تمسک کند. این احتمال با مراجعه به روایات ائمه (علیهم السلام) به جهت آگاهی و احاطه‌ی آنان به قرائت منتهی می شود. اثبات پیراستگی قرآن از هر گونه تحریف، این دستاویز سست اخباریون را مخدوش می سازد و راه را برای استفاده از ظواهر آیات قرآن هموار می کند. (جوادی آملی، 1382ش، ص 24)

### 4/ اعتبار روایات پیشوایان معصوم (علیهم السلام)

اعتبار روایات، به ویژه در مقام تعارض روایات با یکدیگر، به اعتبار قرآن وابسته است. پذیرش تحریف در قرآن، به اعتبار روایات خدشه وارد می سازد. وابستگی اعتبار روایات به اعتبار قرآن در بسیاری از روایات نیز بازتاب یافته که در این مجال به نقد دو روایت بسنده می کنیم.

الف/ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در خطابه خود در منی فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَإِنَّا قُلْتُهُ وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ؛ ای مردم، آنچه از من موافق با قرآن برای شما نقل شد، من آن را گفته ام و آنچه را مخالف با آن نقل شده است، نگفته ام. (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 69)

ب/ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر گاه گفتاری از ما به شما برسد که با کتاب الهی ناسازگار باشد محکوم به بطلان است. فقیهان از مجموعه‌ی این روایات، برداشت کلی خود را با این جمله عنوان کرده‌اند: هر حدیثی که با کتاب الهی ناسازگار باشد آن را بر دیوار بزنید. بدیهی است اگر قرآن با نفوذ تحریف در آن، اعتبار خود را از دست بدهد، نمی‌توان معیار اعتبار روایات قرار بگیرد. (انواری، 1390ش، ص 16)

## أدله عدم تحریف

### 1- عقلی

#### \* ضرورت اتمام حجّت

«عقل می‌پذیرد که از میان آفریده‌های خداوند، انسان به جهت داشتن اختیار و آگاهی، از امتیاز خاصی برخوردار است و به همین دلیل، او موجودی مکلف است و به سبب همین تکلیف نیز نظام پاداش و کیفر برای وی در نظر گرفته شده است.

براساس همین مبانی عقلی، تکلیف زمانی بر انسان منجّز می‌شود که کنار قدرت و اراده، علم به تکلیف وجود داشته باشد؛ یعنی اوامر و نواهی الهی به او رسیده باشد و در صورتی که در ابلاغ این تکلیف خللی ایجاد شود، تکلیف از او ساقط است.» (جوادی آملی، 1382ش، ص 42)

#### \* برهان حکمت

خداوند آخرین کتاب آسمانی خود را به نام قرآن، برای هدایت بشر فرستاده است. خداوند دیگر نه کتابی می‌فرستد نه پیامبری؛ بنابراین اولین و آخرین منبع هدایت بشر تلقی می‌شود. تحریف چنین کتابی، مساوی با گمراهی و یا حداقل سرگردانی بشر است و این با حمید و حکیم بودن خداوند سازگار نیست. بنابراین خداوند خود به مقتضای حکیم بودنش این کتاب را حفظ می‌کند.

#### \* برهان اعجاز

«از جمله چیزهایی که با تحریف قرآن منافات دارد، مسأله اعجاز است. و علما این را بزرگترین دلیل بر عدم تحریف دانسته‌اند. (معرفت، 1386، ص 39) چون اگر امکان تحریف در قرآن باشد، نمی‌تواند به‌عنوان معجزه باشد؛ به جهت اینکه معجزه چیزی است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند.



این دلیل به تعبیر علامه طباطبایی بهترین و استوارترین دلیل برای صیانت قرآن در زمان کنونی به شمار می رود. تمام وجوه اعجازی که برای قرآن، زمان رسول الله وجود داشت مثل تحدی، فصاحت و بلاغت و زیبایی الفاظ آن، هدایت انسان به سوی حق، صدق مطلب و ... بر همین قرآن کنونی و منطبق یافت می شود. بی تردید در صورتی که بین این فاصله زمانی، کمترین نقصان و یا اضافه ای در آن به وقوع می پیوست، به طور یقین دیگر از آن اوصاف اعجازی، خبری نمی ماند و حال آنکه همه آنها در قرآن کنونی باز هم یافت می شود.

### **\* برهان خاتمیت**

قرآن از طرفی، تصریح می کند که کلام خداوند و سند نبوت است و کتاب اسلام به شمار می آید (طور/ 34) و از طرف دیگر، دین اسلام را دین خاتم معرفی می کند. (آل عمران/ 85 و احزاب/ 40) روشن است که معنای خاتمیت، مصونیت از تحریف است. اما سخن این است که چه چیزی از دین باید مصون از تحریف باشد؟ یقیناً آنچه به نام دین و مجموعه هدایت الهی برای یک پیامبر نازل گشته است؛ یعنی، کتاب او باید مصون از تحریف باشد و این شرط لازم مصونیت دین از تحریف است.

### **\* برهان جامعیت**

قرآن در راستای هدایت و راهنمایی بشر، از بیان چیزی که لازمه بشر در امر سعادت باشد، فروگذاری نکرده است. قرآن حاضر همانند قرآن موجود در گذشته ها دارای این صفت است. حال اگر قرآن در زمان حاضر، دارای چنین صفتی است، چگونه می توان احتمال داد که در آن نقصان یا زیادتی رخ داده باشد؟ بنابراین قرآن کنونی از هر گونه تغییری مصون است.

### **\* برهان تواتر**

برهان تواتر یا ضرورت تواتر قرآن یکی از دلایل مهم دفع شبهه تحریف می باشد. شرط پذیرفتن قرآن، چه در کل و چه در بعض، متواتر بودن آن است.

قرآن در هر حرف و هر کلمه و حتی در حرکات و سکنات نیز باید متواتر باشد، یعنی همگان (جمهور مسلمین) آن را دست به دست و سینه به سینه، به طور همگانی نقل کرده باشند. از این رو آنچه در زمینه تحریف گفته اند که فلان کلمه یا فلان جمله، از قرآن بوده، چون با نقل آحاد روایت شده قابل قبول نیست و طبق اصل « لزوم تواتر قرآن » مردود شمرده می شود و این اصل یکی از مسائل ضروری اسلام و مورد اتفاق

علماست و اساساً خبر واحد در مسائل اصولی و کلامی فاقد اعتبار است و صرفاً در مسائل فرعی و عملی اعتبار دارد» (معرفت، 1384ش، ص 159)

### \* ضمانت الهی

یکی از روشن ترین دلایل بر سلامت قرآن و ردّ شبهه تحریف، ضمانتی است که خداوند عهده دار شده است که قرآن را پیوسته مورد عنایت خود قرار داده و از گزند آفات مصون بدارد. « إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ؛ بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.» (حجر/9) این آیه کاملاً سلامت قرآن را تضمین می کند. (معرفت، 1384ش، ص 62) در این آیه کوتاه ده نوع تاکید بکار رفته است پنج تاکید برای نزول قرآن که در کلمات « إنا، نحن، نزلنا، الذکر» نهفته شده و پنج تاکید برای حفظ قرآن از هر نوع تغییر و تحولی که در کلمات «ان، نا، له، ل، حافظون» است که در اصطلاح ادبیات عرب برای اهل فن روشن است. (قرائتی، 1392ش، ج 6، ص 317) خداوند طبق این آیه، وعده داده؛ آن را از هر نظر حفظ و پاسداری کند؛ محافظت از هر گونه تحریف و محافظت از فنا و نابودی و محافظت از سفسطه های دشمنان و سوسه گر.

### \* شیوه وحیانی قرآن

این برهان مبتنی بر نگرش مسلمانان بر مسئله وحی و تمایز مسیحیان از آن است. مسلمانان معتقدند وحی در واقع تکلم و گفتار لفظی خداوند است که به وسیله جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می رسد و ایشان موظف بود عین همان الفاظ را بر مردم برساند. اما مسیحیان بر این باورند که وحی درحقیقت انکشاف خدا و تجربه انسان است که در بشر تجلی می کند و این عامل انسانی است که آن را در مقام بازگو، تعبیر می کند و لذا ممکن است در تعبیر آن، مرتکب اشتباه هم بشود. روشن است که طبق نگرش اول به یقین الفاظ قرآن نمی تواند از نقش عامل انسانی متأثر شود. از این رو چاره ای جز پذیرفتن تحریف ناپذیری قرآن بر اساس دیدگاه مسلمانان در بین نمی ماند. (معرفت، 1384ش، ص 164)

### \* شیوه بیانی

قرآن در جهت تعارض با منافع زورمندان و سلطه جویان، بیش از آنکه به نام اشخاص بپردازد به بیان شاخص توجه کرده است و به استثنای تصریح نام برخی افراد، به موارد جزئی نپرداخته است. و این یکی از تمهیدات

الهی در مصونیت قرآن است که به نوبه خود باعث گردیده، برای کسی انگیزه کتمان یا تحریف آیات پیش نیاید و بهانه ای برای دسیسه حاکمان به طور آشکار نباشد.

### \* شیوه نزول قرآن

یکی از تمهیدات الهی برای مصون ماندن قرآن، نزول تدریجی آن، آن هم با سبک و برنامه ای ویژه است. در مدت تقریباً 23 سال، آیات به دو شکل نازل شده است. آیاتی که در آغاز بعثت در مکه نازل گردیده است، آیاتش کوتاه و موزون است؛ مانند: « وَالضُّحَىٰ \* وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ \* مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ \* ... » و یا « الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ »

این مقاطع کوتاه و موزون در حفظ آیات، تأثیر بی شائبه ای داشتند، آن هم در میان مردم روزگاری که امی بوده اند. اما در سال های بعد آیات و سوره های بزرگتری در مدینه نازل شده است، زیرا در مدینه، هم آرامش بیشتری برای مسلمانان بوده و هم امکانات نوشتن و ثبت آیات وجود داشته است. بالاخره، نزول تدریجی قرآن، این نتیجه را داشت که وقتی چند آیه نازل می شد، پیامبر آن را برای مسلمانان می خواند و آنان نیز حفظ می کردند و بعد آیه ای دیگر نازل می گشت. (معرفت، 1384ش، ص 165)

### \* تکامل خط و کتابت

برای حفظ یک متن به صورت اصلی، باید شرایط طبیعی چنین امری فراهم باشد. در عصرهای گذشته تکامل خط و پیشرفت کتابت به آن میزان نبوده است که بتواند متنی را در بستر خویش و به صورت کامل حفظ کند. البته با رشد تمدن بشری، زمینه های لازم برای چنین امری پدیدار می شد؛ چنان که به نظر برخی در زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) شرایط و موقعیت چنین کاری مهیا شد و زمینه را برای حفظ و صیانت قرآن فراهم آورد. (همان، ص 166)

## 2- نقلی

### الف: قرآن

#### \* آیه حفظ:

« إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ؛ ما قرآن را فرو فرستادیم و آنرا حفظ خواهیم نمود » (حجر/9)

«در فقره إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ، این سه اسلوب برای تأکید به کار رفته است: «إِنَّ»، ضمیر «له» و «لام» «لِحَافِظُونَ» که همگی نشان حتمیت این محافظت است. ذکر و حفظ به صورت مطلق بیان شده و به زمان یا حالتی خاص مقید نشده است؛ یعنی قرآن در همه زمانها از هرگونه تحریف به فزونی یا کاستی یا تغییر در لفظ یا ترتیبی که آن را از ذکر خداوند بودن بیندازد، مصون و محفوظ است» (جوادی آملی، 1382ش، ص 50) مرحوم فیض کاشانی اظهار می‌دارد: «و انا له لحافظون، یعنی: ما قرآن را از تحریف و تغییر و فزونی و کاستی، محافظت می‌کنیم». (فیض کاشانی، 1415ق، ج 1، ص 898)

فخر رازی در تفسیر کبیرش پیرامون این آیه می‌گوید: «... و ما قرآن را از هرگونه تحریف و زیاد و کم شدن، نگهداری می‌کنیم» (فخر رازی، 1421ق، ج 19، ص 160-161)

#### \*آیه نفی باطل:

«وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِمْ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ در حقیقت این کتابی است، شکست ناپذیر که هیچگونه باطلی نه پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن، نمی‌آید چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش، نازل شده است». (فصلت/41-42)

این آیه شریفه، دلالت دارد بر اینکه باطل به حریم قرآن، راه پیدا نمی‌کند. و امکان ندارد آیات مبارکه آن تبدیل و تغییر نماید. بنابر این، تحریف که از مصادیق بارز و آشکار باطل است هرگز به حریم آن راه نخواهد یافت.

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرماید: «آمدن باطل بسوی قرآن، به این معنی است که باطل در آن، راه پیدا کند. یا بعضی از اجزاء آن از بین برود و باطل شود یا همه‌اش، بطوری که بعضی از حقائق و معارف حقه آن، غیر حقه شود. و یا بعضی از احکام و شرایع و نیز توابع آن احکام از معارف اخلاقیه و یا همه آنچه که گفته شد لغو گردد بطوریکه دیگر قابل عمل نباشد». (طباطبائی، 1417ق، ج 17، ص 398)

ب: سنت

#### \*حدیث عرضه بر قرآن:

پیامبر فرمود: «كُتِرَ لَكُمْ الْأَحَادِيثُ بَعْدِي، فَإِذَا رَوَيْتُمْ لَكُمْ عَنِّي حَدِيثًا فَأَعْرِضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَاقْبَلُوهُ وَ مَا خَالَفَ فَرُدُّوهُ» بعد از من روایات زیادی برای شما نقل می‌کنند. لذا وقتی روایتی از من نقل شد، آنرا بر قرآن عرضه کنید اگر موافق کتاب خدا (قرآن) بود بپذیرید و اگر مخالف بود از آن صرفنظر نمائید. (امینی، 1416ق، ج 8، ص 42)

همچنین در حدیثی دیگر فرمودند: « إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَأَعْرِضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ - فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ فَرُدُّوهُ ؛ هرگاه از ما حدیثی رسید آن را بر قرآن عرضه کنید، اگر موافق با آن است بگیرید و اگر مخالف است کنار بگذارید ». (حر عاملی، 1409ق، ج 20، ص 464)

### \* احادیث ثقلین:

«این احادیث، نزد فریقین متواترند، تمسک به قرآن و عترت را واجب می‌دانند. اگر قرآن تحریف شده باشد، هدایت کننده نیست و نباید به آن تمسک جست، لیکن این احادیث تمسک به قرآن را تا ابد واجب و ضروری می‌دانند، پس پندار تحریف قرآن باطل است». (نجارزادگان، 1384ش، ص 29)

### الف: روایت اول

در نامه ای که امام باقر (علیه السلام) به سعد الخیر نگاشته، چنین آمده است: « و كان من نبذهم الكتاب أن أقاموا حروفه و حرفوا حدوده ... » و پشت سر انداختن کتاب یکی باین است که حروف و کلمات آن را برپا دارند (و بخوانند) ولی حدود و احکام آن (و مقرراتش) را تحریف کنند (و تغییر دهند). (کلینی، 1407ق، ج 8، ص 53؛ مجلسی، 1404ق، ج 25، ص 115)

در این روایت شریف، از دستبرد به معانی و تفاسیر منحرف به میان آمده است، ولی الفاظ و عبارات قرآن هم چنان دست نخورده است.

### ب: روایت دوم

ابو بصیر، از امام صادق (علیه السلام) می پرسد، مردم می گویند چرا خداوند فرموده است:

«... أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ...» ولی نامی از علی و خاندان او نبرده است؟ حضرت فرمود: در قرآن فریضه نماز نازل گردید، ولی از رکعات و شرایط آن نامی برده نشد تا آنکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خود بیان نمود. (عیاشی، 1380ق، ج 1، ص 250)

در این روایت شریف، این اصل تثبیت شده است که قرآن، جای بیان اصول و کلیات فرائض و احکام است و بیان فروع و جزئیات بر عهده پیغمبر است. در نتیجه امام (علیه السلام) تقریر فرمود که در قرآن هرگز نامی از علی و خاندان او نبرده نشده است؛ زیرا این وظیفه پیغمبر بوده تا مانند بیان رکعات و شرایط نماز، آن را نیز

بیان کند؛ لذا هر گونه روایت ضعیف السند که حاکی از بودن اسم علی (علیه السلام) و خاندان او در قرآن و سپس ساقط شدن آنها از قرآن است، طبق این روایت مردود شناخته شده است.

### ج: روایت سوم

شیخ مفید از جابر او هم از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: هنگام ظهور، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مردم قرآن می آموزد. آنگاه مشکل ترین کار در این مساله ترتیب مصحف شریف است؛ زیرا در ترتیب، مصحف حضرت با ترتیب مصحف فعلی تفاوت دارد. (مفید، 1413ق، ج 2، ص 386)

این حدیث، بر آن دلالت دارد، قرآنی که حضرت ارائه می دهند بجز در ترتیب و نحوه تألیف آیات و سوره ها، هیچ گونه تفاوتی با مصحف موجود ندارد.

### شواهد تاریخی

\*اهتمام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه

اهتمام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حفظ و ضبط قرآن از مسلمات تاریخی است. آن حضرت (صلی الله علیه و آله) هنگام دریافت وحی به لحاظ اشتیاق وافر به فراگیری آنها به تکرار آیات می پرداخت.

\*اهتمام مسلمانان

بی شک از اهتمام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر قرائت قرآن و تحفیظ آن، مسلمانان جامعه آن روز، فضیلت بزرگی برای حفظ قرآن قائل بودند. مومن و منافق در این جهت بر یکدیگر سبقت می گرفتند. معاشرت و انس با قرآن، جزء آداب و رسوم مردم درآمده بود و در مسائل و مشکلات خود به آن مراجعه می کردند. تقدس و فضیلت یافتن قرآن نزد مسلمانان، این نتیجه را به دنبال داشت که کسی نمی توانست ایده تغییر قرآن را در سر بپروراند.

گذشته از اهتمام صحابه در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به حفظ و حراست قرآن، این اهتمام پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط آنان و تابعان و سایر مسلمانان استمرار یافت. (جوادی آملی، 1382ش، ص 119-120)

\*ممانعت از افزودن حکم رجم:

«خلیفه دوم معتقد بود آیه رجم جزء قرآن بوده و در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تلاوت می شده، اما هنگام تدوین قرآن در آن ثبت نشده است؛ ازاین رو دوران خلافت خود سخت کوشید تا آیه مدعایی خویش را در مصحف بنگارد، اما صحابه و مسلمانان زیر بار آن نرفتند». (همان، ص 121)

\*جلوگیری از حذف واو از قرآن:

سیوطی نقل کرده است: عمر اعتقاد داشت که در آیه «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» (توبه/100) «واو» نباید در «وَالَّذِينَ» باشد. زید گفت: خوب شما با فشار و زور می گوید، حال ما چه بگوییم! عمر گفت: ابی بن کعب را حاضر کنید تا نظر او را بدانیم. وقتی ابی آمد، عمر موضوع را از او پرسش کرد و ابی بن کعب گفت: «وَالَّذِينَ» درست است؛ نه «الذین». با این سخن، دیگر عمر مخالفتی نکرد (همان، ص 122)

## نتیجه گیری

قرآن معتبرترین منبع معارف اسلام و معجزه جاودان رسول گرامی است. تنها کتاب آسمانی که از تحریف مصون مانده و بشر از آوردن حتی سوره ای کوچک همانند آن عاجز است. اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین و برترین دین الهی در برگیرنده قوانینی است که تعالی و تکامل مادی و معنوی انسان را تضمین کرده است و اصیل ترین منبع جاودانه آن قرآن کریم است. تغییر و تحریف در کتاب های آسمانی پیشین، گرچه راه را بر خدشه در اصول و ارکان ادیان الهی گشوده، اما به لحاظ سیر تدریجی قوانین الهی و جایگزین شرایع آسمانی یکی پس از دیگری، خسارت ناشی از تحریف به نوعی تدارک و جبران شده است. اما آیا قرآن کریم در تاریخ پرفراز و نشیب خود با چنین امری مواجه گشته و دست تغییر و تحریف بدان راه یافته یا آن که بی هیچ نقصان یا افزایشی بستر زمان را به سلامت زیر پا نهاده و در این جهت نیز افتخاری بر افتخارات خویش افزوده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آخرین پیامبر و ختم نبوت هستند پس باید معجزه ایشان که قرآن است نیز کاملاً عاری از هر گونه نقص و خلل باشد و برای عموم مردم و در همه اعصار و مکانها مورد استفاده و بهره گیری باشد، چرا که اگر در معجزه پیامبر ختم نبوت، نقصی وجود می داشت و یا تحریفی رخ می داد آن را از حالت معجزه بودن خارج می ساخت و نیازمند این بود که پیامبری بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیاید تا معجزه کاملتری ارائه دهد. در صورتی که بر همگان مسلم و روشن است که بعد از ایشان هیچ پیامبری نیامده و نخواهد آمد و بنا بر تفسیر آیه 9 سوره مبارک حجر و سایر آیات و روایات ثابت می گردد که قرآن جامعترین و کاملترین معجزه تمام دوران و عصرها بوده و هست و خواهد بود و هیچ وقت تحریفی در آن رخ نداده و نخواهد داد. « إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » (حجر/9)



## منابع و ماخذ

- 1- قرآن کریم
- 2- ابن منظور، محمد بن مکرم، 1414ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
- 3- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، 1405ق، عوالی اللئالی، محقق: عراقی، مجتبی، سید الشهداء، قم.
- 4- آلوسی، سید محمود، 1405ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی .
- 5- امینی، محمد حسین، 1416ق، الغدیر، مرکز الغدیر، قم.
- 6- انواری، جعفر، 1390ش، انگاره تحریف قرآن، تهران، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره).
- 7- جوهری، اسماعیل بن حماد، 1410ق، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین.
- 8- جوادی آملی، عبدالله، 1382ش، نزاهت قرآن از تحریف، قم، اسراء.
- 9- حر عاملی، محمد بن حسن، 1409ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه ال البيت.
- 10- خوبی، ابوالقاسم، 1378ش، البیان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالتقلین.
- 11- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1374ش، مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی.
- 12- فیض کاشانی، ملامحسن، 1415ق، تفسیرالصادق، تهران، صدر.
- 13- طبرسی فضل بن حسن، 1372ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- 14- طباطبایی، سید محمد حسین، 1417ق، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 15- طباطبایی، سید مصطفی، 1358ش، فرهنگ نوین عربی - فارسی، تهران، اسلامیة.
- 16- عیاشی، محمد بن مسعود، 1380ق، تفسیر عیاشی، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، مطبعه العلمیه.
- 17- فخرالدین رازی، محمد بن عمر التمیمی، 1421ق، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- 18- قرائتی، محسن، 1392ش، تفسیر نور، قم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- 19- قرشی، علی اکبر، 1352ش، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب اسلامی.
- 20- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، 1407ق، اصول کافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- 21- مفید، محمد بن محمد، 1413ق، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- 22- مجلسی، محمد باقر، 1404ق، مرآه العقول فی شرح اخبار الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 23- معرفت، محمد هادی، 1386ش، صیانه القرآن من التحریف، دارالقرآن، قم.
- 24- معرفت، محمد هادی، 1384ش، تاریخ قرآن، دارالقرآن، قم.
- 25- معرفت، محمد هادی، 1391ش، التمهید فی علوم القرآن، قم.
- 26- نجار زادگان، فتح الله، 1384ش، تحریف ناپذیری قرآن، تهران، نشر مشعر.